



Economic Law from the point of view of jurisprudence with emphasis on economic man

Hossein Niasti¹, Javad Niknejad^{2*}, Mohammad Alemzadeh³

- 1. Ph.D. Student in Private Law, Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.
- 2. Assistant Professor Department of Private Law, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
- 3. Assistant Professor Department of Private Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 197-219

Article history:

Received: 4 Nov 2021

Edition: 10 Jan 2022

Accepted: 15 Mar 2022

Published online: 24 Sep 2022

Keywords:

Law Economics, Economic Human, Efficiency, Alternative Punishments to Imprisonment, Court Costs

Corresponding Author:

Javad Niknejad

Address:

Department of Private Law,
Ghaemshahr Branch, Islamic Azad
University, Ghaemshahr, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-1956-1484

Tel:

02122350090

Email:

j.niknejad@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Law Economic is an interdisciplinary issue that has not received much attention from a jurisprudential point of view. In this article, an attempt has been made to deal with economic man from the perspective of economics of law and jurisprudence and the impact of economics on law with a jurisprudential approach.

Materials and Methods: The present type of research is theoretical and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library which has been studied by referring to books and articles.

Ethical considerations: In different stages of writing the article, ethical and scientific principles have been observed.

Results: Preference of personal interests and rationality are the most important components of economic man in economics of law, which in jurisprudence, in addition to the material dimensions mentioned, also emphasizes the spiritual dimensions of economic man. In fact, in human jurisprudence, there are two material and spiritual areas that affect the legal dimensions of one's behavior.

Conclusion: One of the most important achievements of economic analysis of law is the focus on reducing costs in the light of human economic components. Emphasis on rationalization and economicization of court costs, the tendency of alternative punishments to imprisonment as a less costly and efficient mechanism, and attention to the high costs of crime are examples of the impact of economics on rights, which can be achieved in jurisprudence for reasons based on its accuracy.

Cite this article as:

Niasti H, Niknejad J, Alemzadeh M. Economic Law from the point of view of jurisprudence with emphasis on economic man. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(3):197-219.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

حقوق اقتصادی از منظر فقه با تأکید بر انسان اقتصادی

حسین نیاستی^۱، جواد نیک نژاد^{۲*}، محمد عالمزاده^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اقتصاد حقوق از موضوعات میان‌رشته‌ای است که از منظر فقهی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در این مقاله تلاش شده به انسان اقتصادی از منظر اقتصاد حقوق و فقه و تأثیر اقتصاد بر حقوق با رویکرد فقهی پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: نوع پژوهش حاضر نظری و روش تحقیق توصیفی تحلیلی می‌باشد و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که با مراجعه به کتب و مقالات به بررسی موضوع پرداخته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در مراحل مختلف نگارش مقاله، اصول اخلاقی و علمی رعایت شده است.

یافته‌ها: ترجیح منافع شخصی و عقلانیت مهم‌ترین مؤلفه‌های انسان اقتصادی در اقتصاد حقوق است که در فقه علاوه بر ابعاد مادی مورد اشاره، بر ابعاد معنوی انسان اقتصادی نیز تأکید شده است. در واقع در فقه انسان دو ساحت مادی و معنوی دارد که بر ابعاد حقوقی رفتار فرد تأثیرگذار است.

نتیجه: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تحلیل اقتصادی حقوق، تمرکز بر کاهش هزینه‌ها در پرتو مؤلفه‌های انسان اقتصادی است. تأکید بر عقلایی و اقتصادی شدن هزینه‌های دادرسی، تمایل به مجازات‌های جایگزین حبس به عنوان سازوکار کم‌هزینه و کارآمدتر، و توجه به هزینه‌های بالای جرم از مصادیق تأثیر اقتصاد بر حقوق است که می‌توان در فقه نیز به دلایلی مبتنی بر صحت آن دست یافت.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹۷-۲۱۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

واژگان کلیدی:

اقتصاد حقوق، انسان اقتصادی، کارآمدی، مجازات‌های جایگزین حبس، هزینه دادرسی.

نویسنده مسوول:

جواد نیک نژاد

آدرس پستی:

ایران، قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

۰۲۱۲۳۳۵۰۰۹۰

کد ارکید:

0000-0003-1956-1484

پست الکترونیک:

j.niknejad@yahoo.com

۱. مقدمه

تحلیل اقتصادی حقوق یا «حقوق اقتصاد» به مثابه رویکردی نوین، از اواسط سده بیستم میلادی، به عرصه ادبیات حقوقی وارد شد. دو مفهوم کلیدی در تحلیل اقتصادی حقوق، عبارت‌اند از: انسان اقتصادی و کارایی. این رویکرد از ابزارهای اقتصاد خرد، برای تحلیل رفتار کنشگران حقوقی و قواعد حقوقی، استفاده می‌کند. نخست اینکه، انسان به‌مثابه یک کنشگر منطقی، به تحلیل موقعیت خود برای انتخاب گزینه‌های مختلف می‌پردازد و سپس با پیش‌بینی منفعت و خسران خود از هر انتخاب، بر مبنای «نفع شخصی» خود دست به انتخاب می‌زند. تحلیل اقتصادی حقوق شاخه‌ای از علم اقتصاد است که به ارزیابی ساختارها، قالب‌ها، فرایندها و اثرات قانون و نهادهای حقوقی می‌پردازد (سنتو جی. ولیانوسکی، ۲۰۰۷، ۱۹). جنبش حقوق و اقتصاد بخشی از روندی است که در طی آن، از نظریه‌های اقتصادی مانند مفهوم کارایی برای توصیف تصمیمات و اعمالی که ظاهراً از معاملات غیرشخصی در بازار بسیار متفاوت است، استفاده می‌کند (التمن، ۱۳۸۵، ۳۲۴). ریچارد پاستر تحلیل اقتصادی حقوق را عبارت از اعمال نظریه‌ها و روش‌های تجربی اقتصادی می‌داند که در نهادهای حقوقی اعمال می‌گردد (جان دی. هانسون، ۲۰۰۹، ۲۹۹). تحلیل اقتصادی حقوق، برای تبیین و چرایی مسائل اجتماعی، از ابزارهای اقتصادی استفاده می‌کند که در آن مسائل حقوقی از بعد اقتصادی و به صورت خلاقانه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. از این نقطه نظر، علم

اقتصاد به دلیل استفاده از ابزارهای ریاضی و تجربی، بهتر از سایر علوم انسانی، خود را تحلیلگر مسائل می‌داند؛ زیرا تحلیل اقتصادی ایده‌پرداز نیست، بلکه ایده موجود در جامعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد تا در انتخاب بهترین، به سیاست‌گذاران کمک کند (نیکلاس ال. جورجاکوپولوس، ۲۰۰۵، ۳). از دیدگاه بنیان‌گذاران مکتب کلاسیک جدید، علم اقتصاد بر مبنای این اصل استوار است که: انسان، همواره در جستجوی نفع بیشتر با کوشش کمتر است» (هایامی، ۱۳۸۱). آنان نفع شخصی را محرک فعالیت‌های انسان می‌دانند و معتقدند که هر عملی را بر مبنای آن می‌توان توجیه کرد. تحلیل اقتصادی حقوق، زمانی که به مطالعه رفتارهای انسانی و نقش قواعد حقوقی بر آن‌ها می‌پردازد و گاه در راه پیش‌بینی تأثیر قواعد حقوقی بر رفتارهای اشخاص گام برمی‌دارد. از سوی دیگر اما، گاه به موازات و گاه متعاقب این تحلیل‌ها، از کارایی رفتارها، قواعد و نهادهای حقوقی نیز سخن گفته می‌شود. رفتار مطلوب، رفتاری است که منجر به کارایی شود و قاعده و نهاد حقوقی خوب، آن است که نهایتاً به کارایی بیانجامد. اینجا است که یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌های تحلیل اقتصادی حقوق یعنی کارایی، مطرح شده است. حال سؤال اساسی که در مقاله حاضر بررسی می‌شود این است که از منظر حقوق اقتصاد، انسان اقتصادی به چه معناست و رویکرد فقه در این خصوص چگونه بوده و اساساً تأثیر اقتصاد حقوق در چه مواردی قابل تبیین است؟ در راستای بررسی و پاسخ به سؤال مورد اشاره، ابتدا

۵. بحث

۵-۱. اقتصاد حقوق

نگرش اقتصادی در بشر، قدمتی به بلندای تاریخ پیدایش بشر دارد. انسان، در هر زمان که با سنجش منفعت و زیان، دست به انتخاب زده است و گزینه‌ای را به گزینه دیگر ترجیح داده است، در واقع، پروسه تحلیل اقتصادی را از ذهن گذرانده است. اما در خصوص نگرش اقتصادی به حقوق به صورت علمی باید گفت: از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی، عده‌ای از حقوق‌دانان و اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو، اصول اقتصاد خرد مکتب کلاسیک جدید و روش فردگرایانه آن را به حقوق و رفتارهای غیر بازاری انسان تسری دادند و این نگرش به سرعت ابتدا در حقوق آمریکا و سپس در سایر نظام‌های حقوقی سرمایه‌داری و بعضی از کشورهای در حال توسعه گسترش یافت (بادینی، ۱۳۸۴، ۳۷۶).

مراد از تحلیل اقتصادی حقوق بهره‌گیری از ابزارها و انگاره‌های اقتصادی در فرآیند حقوقی است، چنانچه تحلیل رفتار مادی جامعه نقش نخستین علم تحلیل اقتصادی حقوق است که بستگی به زمینه تفکر اقتصادی دارد. از جمله زمینه‌های تفکر اقتصادی را می‌توان متغیرهایی همچون کمیابی، انتخاب، هزینه فرصت، و کارآمدی دانست. در نگرش اقتصادی به حقوق، دیگر حقوق نه ابزاری برای تنظیم روابط؛ بلکه ابزاری برای تغییر رفتار و سیاست‌گذاری قلمداد می‌شود. همان‌گونه که در اقتصاد، تغییر قیمت بر رفتار مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تأثیر می‌گذارد، در حقوق نیز قواعد

مفهوم اقتصاد حقوق بررسی می‌شود، سپس مؤلفه‌های انسان اقتصادی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر اقتصاد حقوق با رویکرد فقهی تحلیل می‌شود و در ادامه از مصادیق تأثیر اقتصاد بر حقوق بحث می‌شود که در این زمینه به تلاش برای عقلای و کاهش هزینه‌های دادرسی، مجازات‌های جایگزین حبس به عنوان مجازات کم‌هزینه‌تر و هزینه جرائم اشاره می‌گردد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله، اصول اخلاقی و علمی رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

نوع پژوهش حاضر نظری و روش تحقیق آن توصیفی تحلیلی می‌باشد و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب و مقالات بوده که به بررسی موضوع پرداخته است.

۴. یافته‌ها

ترجیح منافع شخصی و عقلانیت مهم‌ترین مؤلفه‌های انسان اقتصادی در اقتصاد حقوق است که در فقه علاوه بر ابعاد مادی مورد اشاره، بر ابعاد معنوی انسان اقتصادی نیز تأکید شده است. در واقع در فقه انسان دو ساحت مادی و معنوی دارد که بر ابعاد حقوقی رفتار فرد تأثیرگذار است.

سایر چیزها)، از نظر اقتصادی باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود و این خود امری مطلوب است. از این رو اجرای هر نوع قانونی که با فرض تحقق هدف مورد نظر، موجب کاهش هزینه‌ها گردد، در راستای تقویت قواعد کارشناسی اقتصادی است و خود رعایت بعدی از ابعاد کارایی است.

۲-۵. انسان اقتصادی در پرتو آموزه‌های

فقهی

۱-۲-۵. انسان از دیدگاه فقه

کلمه انسان ۶۵ بار در قرآن به کار رفته است (طریحی، ۱۳۷۵، ۴، ۸۹). اهل لغت آن را به معنای آدم (غفرانی، ۱۳۹۱، ۱۵۲)، ناس، بشر (سعیدی، ۱۳۸۵، ۱۶۲) می‌آورند. در اصل، این کلمه یا از ریشه انس بر وزن فعلیان بوده است که الف آن، فاعل است، و یا از ریشه نسیان، بر وزن افعالان می‌باشد (صلیبا و صانعی دره بیدی، ۱۳۶۶، ۹۰) طریحی اصل این کلمه را از انسیان دانسته و می‌گوید اعراب اکثره مصغر آن را به صورت انیسیان آورده‌اند و در واقع اسم جنسی است که بر مذکر، مؤنث، مفرد و جمع واقع می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ۴، ۱۲۳). مراد از انسان در موارد به کار رفته در قرآن جسد و صورت ظاهری نیست؛ بلکه باطن، نهاد، استعداد، انسانیت و عواطف او در نظر است (قرشی، ۱۳۷۱، ۱، ۹۳) به این دلیل انسان، انسان گفته می‌شود که پایدار نیست مگر با کمک هم نوعانش. همان‌طور که انسان مدنی بالطبع و از باب فطرت خویش اجتماعی است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ۸۴) انسان موجودی مرکب است از

حقوقی و تغییر آن‌ها بر رفتار اشخاص تأثیر می‌گذارد. در این نگرش، درستی و اخلاقی بودن قواعد دیگر ملاک نیست؛ نقش آن‌ها در افزایش ثروت جامعه مهم است. رفتار عادلانه هم بر مبنای کارایی آن قضاوت می‌شود (بادینی، ۱۳۸۲، ۱۰۲-۱۰۳).

تحلیل اقتصادی حقوق، هم‌چنین در پی تحلیل آثار متفاوتی است که از تصویب و اجرای قوانین حقوقی و وجود و کارکرد نهادهای حقوقی به دست می‌آید. این تحلیل خود شامل دو ساحت «اثباتی» و «هنجاری» می‌شود. تحلیل اقتصادی حقوق، در ساحت اثباتی جدا از ارزش‌گذاری، در پی پیش‌بینی و تبیین رفتارهای انسانی، قواعد حقوقی و نهادهای حقوقی است. در این جایگاه، اندیشمند حقوق و اقتصاد، در پی آن است که محدودیت‌های مؤثر بر رفتار اشخاص را شناخته و به تبیین چگونگی تأثیرگذاری و وسعت تأثیرات ناشی از قوانین و نهادهای حقوقی، بپردازد. در ساحت هنجاری اما، ما با «باید» ها سروکار داشته و تحلیل اقتصادی حقوق نیز در پی ارائه‌ی معیارهایی برای وضع، تغییر و اصلاح قواعد حقوقی است. مفهوم «کارایی» نیز به‌مثابه یک مفهومی که بیشتر دارای صبغه‌ی هنجاری است تا اثباتی، در همین ساحت جای می‌گیرد.

در تحلیل اقتصادی حقوق به‌عنوان مثال در حوزه‌ی حقوق کیفری، می‌توان از این امر سخن گفت که آیا اصولاً اعمال قوانین و مجازات‌های مبارزه با جرم، نهایتاً منجر به کاهش جرائم مربوطه می‌شود یا نه؟ (دادگر، ۱۳۹۰، ۱۸۰). کاهش جرم (با فرض ثبات

مجموعه اعضای ظاهری بدن و مجموعه حالات نفسانی مانند انفعال، احساس، ادراک، تعقل و اراده. پس انسان ترکیبی از جسم و روح است (صلیبا و صناعی دره بیدی، ۱۳۶۶، ۸۹) انسان مرکب از دو جنبه است. یکی جنبه جسمانی و حیوانی که جنس مشترک او با سایر حیوانات است و دیگری جنبه روحانی ملکوتی که فصل ممیز او از موجودات جسمانی دیگر است. انسانیت انسان به تقویت جنبه ملکوتی اوست و هر چه این جهت را نیرو بخشد و قوی گرداند به حقیقت انسانیت نزدیکتر شده و مفهوم انسان بر او صادقتر است، و اگر جنبه‌های حیوانی را تقویت کند و به آن طرف متمایل شود شایسته همان نام و همان مقام خواهد بود و در تیپ سباع یا بهائم یا شیاطین مقر و مقام خواهد داشت (طیب، ۱۳۷۸، ۱، ۱۰۱).

فراز گاه آدمی اوج احسن تقویم: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»؛ «که به یقین ما انسان را در بهترین اعتدال و استقامت (در جسم و روان) آفریدیم» (تین، ۴) و فرودگاه وی حضيض طبیعت طین است: «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»؛ «سپس او را به پایین‌ترین مرتبه فروتران بازگردانیم» (تین، ۵) رهایی از حضيض طبیعت جز با ایمان راستین و کردارهای شایسته شدنی نیست: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ»؛ «مگر کسانی که ایمان آورده و عمل‌های شایسته انجام داده‌اند، که آن‌ها را پاداشی بی‌منت و بی‌پایان است» (تین، ۶) قرآن انسان را مدح‌ها و ستایش‌ها کرده و هم مذمت‌ها و نکوهش‌ها نموده است. عالی‌ترین مدح‌ها و بزرگ‌ترین مذمت‌های قرآن

درباره انسان است، او را از آسمان و زمین و از فرشته برتر و در همان حال از دیو و چارپایان پست‌تر شمرده است. از نظر قرآن انسان موجودی است که توانایی دارد جهان را مسخر خویش سازد و فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد، و هم می‌تواند به «أَسْفَلَ سَافِلِينَ» سقوط کند. این خود انسان است که باید درباره خود تصمیم بگیرد و سرنوشت نهایی خویش را تعیین نماید (مطهری، ۱۳۷۷، ۷۸). از آنجایی که جایگاه انسان محدود نیست، او می‌تواند بارآده‌اش جایگاهش را تنزل داده، و قلمرو حیاتش را بازندگی حیوانات نزدیک کند و این ذلت و ضلالت، نتیجه چیرگی نفس بر عقل اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۳، ۱۸۳). از این‌رو انسان به وسیله نفس خود هم می‌تواند به اعلی‌علین صعود کند و هم می‌تواند به اسفل‌السافلین سقوط نماید. انسان این توان را دارد که به مقام نفس مطمئنه نائل گردد یا اسیر نفس اماره شود. از آنجایی که برای حرکت در مسیر کمالات انسانی گریزی از شناخت نفس نیست (جعفری، ۱۳۴۹، ۷۸). خداوند جایگاه وجودی انسان را تا جایی ارتقاء بخشیده که همه مخلوقات را تحت سیطره و سلطه او قرار می‌دهد: «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ...»؛ «و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در این زمین است همه را که وجود و حفظ و تدبیرشان از اوست به سود شما مسخر نمود» (جاثیه، ۱۳) و این نمایانگر حقیقت متعالی انسان و جایگاه واقعی اوست که فراتر بودن او را بر سایر مخلوقات ارضی و سماوی اثبات می‌کند.

۵-۲-۲. انسان اقتصادی

در این قسمت تلاش می‌شود مفهوم انسان اقتصادی در پرتو رویکرد فقهی آن بررسی شود. بدین منظور لازم است ابتدا، مفهوم انسان اقتصادی تحلیل شود. اصطلاح انسان اقتصادی یکی از مفاهیم اساسی اقتصاد مدرن است. این اصطلاح نخستین بار توسط ژوزف پسکی، بکار رفته است. ریشه‌های پیدایش این مفهوم را باید در دیدگاه‌هایی چون انسان‌گرایی، عقل‌گرایی، دئیسم، لذت‌جویی، مادی‌گرایی، فردگرایی، طبیعت‌گرایی و به دنبال رنسانس و افکار فلسفی قرن ۱۷ و ۱۸ در مباحث اندیشمندانی چون هیوم، بنتام، هابز و اسمیت جستجو کرد (ایروانی، ۱۳۹۱، ۱۸). مفهوم انسان اقتصادی برای نشان دادن رفتار عقلایی واحدهای تصمیم‌گیرنده انفرادی که شامل مصرف‌کننده، بنگاه، شرکت و ... می‌باشد تعمیم یافته است. فرض است که در جامعه سرمایه‌داری محرک‌های اقتصادی هر فرد را در جهت کسب حداکثر رضایت‌مندی با صرف کمترین هزینه تحریک می‌کند.

بر اساس متون فقهی نیز، انسان دارای بعد اقتصادی، زیرا یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز اقتصادی است (صدر، ۱۳۵۱، ۱، ۳۱). انسان برای ادامه حیات خود ناگزیر از آن است که به کار و کوشش پرداخته و نیازمندی‌های اقتصادی خود را برطرف سازد. اهمیت نیازمندی‌های مادی انسان تا آنجاست که باید گفت هیچ مکتبی نمی‌تواند داعیه انسان‌سازی داشته باشد، مگر آنکه به نیازمندی‌های اقتصادی انسان توجه کرده و در جهت رفع آن

برنامه‌ای صحیح ارائه دهد (نصری، ۱۳۷۹، ۳۲). چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و به سوی مردم مدین برادرشان (شعیب را فرستادیم)، گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید، که شما را جز او خدایی نیست، و پیمان‌ه و ترازو را کم مدهید. و ای قوم من، پیمان‌ه و ترازو را کامل و عادلانه بدهید و از مردم کالاهایشان را (هنگام اداء حقوق در تمام سنجیدنی‌ها) کم مگذارید و تبهکارانه در روی زمین نپوید»؛ براساس آنچه گفته شد، انسان از منظر فقهی دارای دو بعد مادی و معنوی است.

برای شناخت بیشتر انسان اقتصادی لازم است مؤلفه‌های آن تبیین شود. مهم‌ترین مؤلفه‌های انسان اقتصادی، توجه به نفع شخصی و عقلایی بودن است که در ادامه بررسی می‌شود.

۵-۲-۲-۱. نفع شخصی

یکی از ابتدایی‌ترین پیش‌فرض‌های علم اقتصاد، نفع شخصی است. این انگاره بدین معناست که انسان، زمانی که در عرصه‌ی انتخاب گزینه‌های مختلفی قرار می‌گیرد، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که نسبت به سایرین، منفعت او را به بیشترین سطح خود برساند. بر اساس مؤلفه نفع شخصی، مردم در هنگام تصمیم‌گیری به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که به بهترین منافع خود دست یابند (مک فرسون و هاسمن، ۱۹۸۴، ۵۴). انسان اقتصادی خودمحور و شخصیتی منفعت‌طلب است و هرگز به فراتر از منافع خود فکر نمی‌کند. دیدگاه انسان اقتصادی کاملاً مادی است و او همیشه مشغول

محاسبه نفع و ضرر خود در شرایط مادی است (عبدالله کریم، ۲۰۰۶، ۲۱). منافع شخصی در تئوری توسط اقتصاددانان بسیار گسترده تعریف شده است به طوری که شامل تمامی چیزهای محسوس و نامحسوس است (سولو، ۱۹۹۳، ۶۷)، اما در عمل مفهوم «مطلوبیت» عمدتاً محدود به مصرف کالاهای بازاری هست. البته بدین معنی نیست که انسان، «هرگز» در انتخاب‌های خودش به مطلوبیت‌های دیگری اهمیتی نمی‌دهد یا «باید»، همراه نفع شخصی خودش را فارغ از آنچه برای دیگران مطلوبیت دارد، مورد لحاظ قرار دهد؛ بلکه نوع‌دوستی از مؤلفه‌های حداکثر کننده تابع مطلوبیت فردی است. مطلوبیت فرد، تابعی از رفاه مادی خود و رفاه دیگران دانسته شده است؛ در واقع نوع‌دوستی یا خیرخواهی، به نفع شخصی ارجاع داده شده است؛ چراکه باعث حداکثر شدن مطلوبیت فرد می‌شود (گرافلند، ۲۰۰۹، ۴۷۹). به عنوان مثال در حقوق قراردادهای کلاسیک، عقد مسامحه‌ای یا عقد نامتعادل، «عقدی است که انگیزه مستقیم یکی از دو طرف آن مادی نیست؛ بلکه انگیزه‌ای معنوی مانند انگیزه عاطفی، خیرخواهانه، جلب توجه و دوستی طرف دیگر است. مانند فروش یک آپارتمان به وسیله پدر به فرزند، در برابر یک سکه معین طلا با اسقاط خیار غبن به هر درجه که باشد» (شهیدی، ۱۳۹۲، ۹۱). در عقد رهن، مرتهن (کسی که مالی نزد او به گرو گذاشته می‌شود) علاقه ندارد که علم به جنس و وصف و مقدار رهنه داشته باشد. اگر اجمالاً بداند که ارزش مال مورد گرو وافی و کافی برای طلب او

است، برای او بس است. در نگاه نخست شاید کسی که مالی را به دیگری می‌بخشد، برای کسب حداکثری نفع شخصی‌اش باید خیار غبن نیز داشته باشد، علم تفصیلی هم در این عقد شرط باشد و ... اما همین ماهیت مسامحه‌ای بودن است که وارد تابع مطلوبیت شخص شده و در تفسیر اراده او و نیز شناخت ماهیت و آثار و لوازم عرفی این عقود به یاری حقوق‌دان می‌آید.

منافع شخصی در یک شیوه عملی از دیدگاه قرآن حتی در موقعیت زندگی اخروی هم مهم است (صف، ۱۰). قرآن موقعیت در زندگی اخروی را به عنوان یک معامله یا تجارت معرفی می‌کند که این هم از روی جزئی از تمایلات انسان برگرفته شده است (توبه، ۱۱۱). از آنجاکه معامله، تجارت یا کسب‌وکار است لذا یک فرایند مبتنی بر منفعت شخصی مردم می‌باشد. قرآن به وضوح به منافع خود به عنوان خصیصه بنیادین رفتار انسانی اذعان کرده است (فاروق، ۲۰۱۱، ۷۲).

بین اندیشه‌های اسلام و پیگیری نفع شخصی تعارضی وجود ندارد و پیگیری نفع شخصی هیچ تقابلی با رفتارهای نوع‌دوستانه ایجاد نمی‌کند و در صورتی شرایط تعادلی در اقتصاد متعارف محقق می‌شود که در اصل «پیگیری نفع شخصی» و «بهینه‌سازی» با هم برقرار باشند (دادگر و عزتی، ۱۳۸۳، ۱۴). یک انسان مسلمان با اعتقاد به توحید نمی‌تواند همه امور را بر محور خویشتن تنظیم کند بلکه محور رفتار او توحید و دستورات الهی است. از طرفی دیگر اعتقاد به زندگی جاودانه اخروی باعث می‌شود نفع واقعی برای یک مسلمان

منافع اخروی باشد و منافع او فراتر از منافع مادی این دنیا باشد.

۵-۲-۲-۲. انتخاب عقلانی

در یک تعریف بسیار کلی، عقلانیت عبارت است از کاربست استدلال مناسب برای انتخاب بهترین حالت ممکن با در نظر گرفتن آنچه که تحت شرایط واقعی محیط در زمره بهترین منافع عامل انتخاب‌گر قرار دارد (ریس چر، ۱۹۹۸). یک توافق کلی بر روی این تعریف ممکن است چراکه تمایزی بین دو نوع اصلی عقلانیت که شامل عقلانیت ابزاری و هدف نگر است، قائل نشده است. اندیشمندان حقوق و اقتصاد، زمانی می‌توانند از تأثیر قوانین بر رفتار آدمیان سخن بگویند که یک پیش‌فرض در مورد قاعده‌مندی رفتار انسان‌ها داشته باشند. این پیش‌فرض در مورد قاعده‌ی رفتاری انسان‌ها، انتخاب عقلانی است (بادینی، ۱۳۸۴، ۳۸۱؛ کوتر و یولن، ۱۳۸۸، ۴۰۹). پس اندیشمندان حقوق و اقتصاد، این‌گونه فرض می‌کنند که کنشگران حقوقی، در برخورد با قوانین و نهادها، به‌گونه‌ای عقلانی رفتار می‌کنند (پوزنر، ۲۰۰۳، ۴-۳). انتخاب عقلانی با فایده‌گرایی ارتباط تنگاتنگی دارد. شعار اصلی بن‌تام که پیشگام مکتب فایده‌گرایی است «بیش‌ترین سعادت برای بیشترین مردم است» (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱۰۷-۱۵۴) از نظر وی سعادت و خوشبختی فرد هنگامی افزایش می‌یابد که مجموع لذت‌های فرد بیشتر از مجموع رنج‌های وی شود؛ منفعت جامعه نیز از مجموع منافع افرادی که جامعه را تشکیل

می‌دهند حاصل می‌شود؛ اصل «سودمندی» و «محاسبه خوشی‌زا» مبنای قانون‌گذاری و اخلاق است و درستی هر عملی باید بر اساس اثری که در افزایش مجموع سعادت تمام اعضای یک جامعه دارد مورد ارزیابی قرار گیرد (هریس، ۱۹۸۲، ۳۶-۴۲). فایده‌گرایی نیز همانند نگرش اقتصادی «پیامدگرا» است و به موجب آن اعمال باید بر مبنای وضعیت‌هایی که پیامدهای آن هستند انتخاب شوند و از این جهت از نظر هر دو مکتب «حقوق ابزاری است برای پیش‌بینی و تغییر رفتار» (استروول، ۱۹۹۲، ۱۶۵).

به‌طور کلی اقتصاددانان مسلمان عقلانیت را پذیرفته‌اند اما تفسیر سنتی از عقلانیت در علم اقتصاد را به دلایلی چون ناسازگاری با ارزش‌های اسلامی (زمان، ۱۹۹۱)، فاقد هنجارهای اسلامی بودن، مبتنی بودن بر فلسفه سرمایه‌داری (کهِف، ۱۹۹۱)، و مردود بودن نفع شخصی صرف در اسلام (صدیقی، ۱۹۹۱، ۶۷) قابل قبول نمی‌دانند (دادگر و عزتی، ۱۳۸۳، ۱۷). نویسندگان مسلمان عقلانیت را توسعه داده‌اند و تئوری مصرف‌کننده را به محدود و تک‌بعدی کردن رفتار انسان متهم می‌کنند و عقلانیت اسلامی را به عنوان یک جایگزین که سازگار با ارزش‌های اسلامی است پیشنهاد می‌کنند (بیرایما، ۱۹۹۸، ۲۱۰). بر این اساس، از یک‌سو مردم می‌توانند «توسط هوای نفسانی خود برانگیخته شوند که فقط به دنبال حداکثر کردن لذات دنیوی» باشند، که در این صورت هوای نفسانی خدای فرد می‌شوند. در اینجا نفس تحت سلطه انگیزه‌های فسق مثل حرص، آز، غرور،

بررسی و تحلیل تأثیر اقتصاد بر حقوق در پرتو انسان اقتصادی پرداخته شده است.

۵-۳-۱. تأثیر اقتصاد حقوق بر کارآمدی و

کاهش هزینه در دادرسی

یکی از ابعاد اقتصاد حقوق، تبیین قوانین دادرسی از منظر اقتصادی است (برن هانس، ۲۰۰۴، ۳). در آیین دادرسی مدنی یک خواهان و خوانده منطقی با یک مرد معقول علم اقتصاد یکسان و همسان است این حوزه عمدتاً بر پایه فرض انتخاب عقلانی توسط افراد بنیان‌گذاری شده است و در پی کشف نتایج ناشی از تغییرات حقوقی و سیستم‌های قضایی بر رفتار افراد و طرفین درگیر در دعوا است و نهایتاً یافتن وضعیت تعادلی جدید از طریق تحلیل در سطح اقتصاد خرد. به‌طور خلاصه، نگرش اقتصادی به آیین دادرسی مدنی مبتنی بر این فرض است افراد عاقل، تضمین‌های حقوقی را به عنوان قیمت‌های ضمنی برخی از رفتارها می‌دانند و این قیمت‌ها برای هدایت چنین رفتارهایی به عنوان مطلوبیت اجتماعی مطلوب به کار می‌روند. با دقت در فرآیند دادرسی و شاخص‌های کیفیت و کارآمدی آن، به نظر، می‌توان از اصلی به نام «اصل تخصیص، معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی مدنی» سخن گفت. تخصیص به معنای تعیین شیوه، میزان و شخص تحمل‌کننده هزینه‌های دادرسی مدنی است. تخصیص هزینه‌های دادرسی مدنی را می‌توان به دو نوع تخصیص اولیه و تخصیص ثانویه منقسم نمود. تخصیص اولیه توسط مقنن صورت گرفته، اما

حسادت و غیره است. از سوی دیگر مردم می‌توانند توسط انگیزه خود برانگیخته شوند که فقط به دنبال انجام کردارهای نیکو، که ثمره شکر است باشند. در اینجا نفس کاملاً تحت سلطه انگیزه‌های مثبت تقوا و پرهیزگاری مثل صبر، تواضع، قناعت، سخاوت و ... است و یک عمل کاملاً در اظهار اطاعت از خداوند و سازگار با قصد خدا است (بیرایما، ۱۹۹۸، ۲۱۳).

از منظر اسلامی جا برای جایگزینی و درک وسیع‌تری از رفتار انسان در اقتصاد وجود دارد. ویژگی‌های خصوصیات یک انسان اسلامی را می‌توان از ویژگی‌های ارائه‌شده برای مؤمنین در قرآن و حدیث استخراج کرد. حداقل در قرآن بیش از شصت ویژگی در این زمینه ارائه‌شده است. اصطلاح عمل صالح برای فعالیت‌هایی است که توسط قرآن و حدیث برای مؤمنین ضروری دانسته شده‌اند. عمل صالح هر فعالیتی است که نتایج آن به نفع دیگران باشد یا تعادل را در جامعه برقرار سازد و یا نتایج آن عدم تعادل را در جامعه رفع کند. از این‌روی دامنه محدود یک مقاله نمی‌تواند تمام این ویژگی‌ها را به تفصیل شرح دهد.

۵-۳. تحلیل تأثیر اقتصاد بر حقوق در پرتو

انسان اقتصادی

در نگرش اقتصادی به حقوق، اصل انسان اقتصادی، یکی از اصول بنیادین است. اصلی که قابلیت پیشگویی رفتارها و واکنش‌ها به محرک‌های به وجود آمده در جامعه را فراهم می‌آورد (نیکلاس ال. جورجاکوپولوس، ۲۰۰۵، ۴). در این قسمت به

پرداخته‌ایم (عارفعلی، ۱۳۹۴، ۵۸-۲۸). به نظر می‌رسد، اولاً اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی مدنی را باید حد تعادل میان دو اعتقاد «رایگان» یا «هزینه بر بودن» دادرسی دانست تا چنانکه گفته شد در عین ممانعت از طرح دعاوی واهی و بی‌بنیان یا ایذایی، اسباب تحقق اصل دسترسی آسان و ارزان به خدمت عمومی دادرسی را فراهم نماید؛ ثانیاً مطابق این اصل، هزینه‌های ناشی از دادرسی نیز می‌باید حداقل کمتر از خواسته موضوع دعوا و منفعت مورد انتظار از آن باشد تا توجیه‌پذیری طرح دعوی را سبب، و در عین حال مانع جدی جهت حق‌گذاری به شمار نیاید. در کنار این امور، نظارت لازمه چه در عرصه تقنینی و چه قضایی، بر نحوه عمل دادرسان از حیث هزینه‌ها و اقدامات آن‌ها نیز ضروری است. چنانکه در سیستم رایگان دادرسی مدنی فرانسه نیز می‌بینیم ماده ۱۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی این کشور مقرر داشته: «دادرس باید در انتخاب خود از بین ترتیبات تحقیقی که برای حل و فصل اختلاف کافی‌اند، آنچه را که ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر است برگزیند» (محسنی، ۱۳۹۱، ۱۲۹).

برخی با استناد به مخالفت اخذ هزینه دادرسی با اصل تساوی مردم در برابر دادگاه‌ها (اصل ۳۴ قانون اساسی)، طرفین دعوا را اصولاً معاف از پرداخت هزینه‌های دادرسی دانسته‌اند (صدرزاده افشار، ۱۳۸۰، ۳۶۸) و در همین جهت، برخی دیگر، با اتکا به اصل دسترسی به دادگستری، رایگان بودن دادرسی یا یارانه محور بودن آن را، یکی از ارکان

تخصیص ثانویه، بر اساس قرارداد خصوصی اصحاب دعوا یا تشخیص دادرسی در جریان دادرسی مدنی است.

تشکیلات نظام قضایی که دارای قواعد حقوقی اتلاف‌کننده هزینه‌های مراجعه‌کنندگان است، فرسنگ‌ها از مقتضیات عادلانه و مشروع بودن دادرسی فاصله دارد» (محسنی و غمامی، ۱۳۸۵، ۲۸۶). خواهانی که با صرف هزینه‌های گزاف، و اطلاع دادرسی، به رأی قطعی لازم‌الاجرا دست‌یافته، و اکنون به پیمودن مرحله اجرا هدایت می‌شود، قطعاً در مقام سنجش سود و زیان خویش از دادرسی پشت سر گزارده شده، تناسب ارزش به‌دست‌آمده از دادرسی با هزینه‌های آن را، معقول و متعارف و یا نامعقول و نامتعارف ارزیابی خواهد نمود، که همین نقطه، مرکز ثقل اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی را نشانه گرفته است.

به تعبیری دیگر، قواعد دادرسی مدنی و از جمله مقررات مرتبط با هزینه‌های دادرسی، باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در عین کشف حقیقت و فصل خصومت، موجب تحقق اصل دسترسی آسان و ارزان شهروندان به دادگستری به عنوان خدمتی عمومی شود. البته منظور، تشویق به طرح دعوی نیست، بلکه سخن آنجاست که به هنگام ضرورت طرح دعوی، نتیجه حاصله از آن با لحاظ زمان و هزینه‌های صرف شده، نامعقول و نامتعارف جلوه نکند. از همین محمل است که انتقادات به تعیین و یا افزایش بی‌ملاک و معیار هزینه‌های دادرسی، رخ می‌نماید، که در جای دیگری مفصلاً بدان

تحقق دسترسی به دادگستری و عدالت شمرده‌اند (حبیبی، ۱۳۹۲، ۱۴۹). بعضی نیز معتقدند: «بر اساس مقررات شرعی و احکام فقهی، قضاوت یک وجوب شرعی است که نمی‌توان برای آن حق‌الزحمه گرفت و از نظر عرفی نیز با توجه به اینکه دولت از مردم مالیات می‌گیرد تا به آن‌ها خدمات بدهد اساساً نباید در قبال فصل خصومت، هزینه‌ای را بر طرفین دعوا تحمیل کند بنابراین می‌توان گفت اصل بر مجانی بودن دادرسی است اما قوانین موضوعه ظاهراً اصل را بر مجانی نبودن دادرسی قرار داده‌اند» (زراعت، ۱۳۸۹، ۹۶۹).

در فقه نیز به‌نوعی به هزینه دادرسی پرداخته شده و دریافت هزینه دادرسی جایز نیست (نجفی، ۱۳۶۷، ۲۲، ۱۲۲). هرچند اجرت عمل قضاوت بر عهده بیت‌المال دانسته شده اما نباید آن را با پرداخت هزینه‌های تهیه اوراق و قلم و جوهر جهت درج رأی یا کتابت اظهارات طرفین و گواهان، که در برخی متون فقهی مورد تأیید قرار گرفته و منع نشده یکسان پنداشت (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۴۱۶؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۱۶۱؛ تبریزی، ۱۴۲۷، ۱۱۰؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۹۳ و ۹۴). یکی از نویسندگان حقوقی نیز بر این باور است که «دولت باید علاوه بر حقوق قاضی مقداری اضافه بابت تهیه کاغذ و مرکب و قلم برای نوشتن محضرها و سجلات بدهد تا او از آن محل، این اوراق و لوازم را خریده و مصرف کند. اگر چنین پولی به او ندهند هر یک از اصحاب دعوی که ذینفع در تهیه محاضر و سجلات است باید آن هزینه را بدهد. اگر ندهد قاضی می‌تواند در صورت لزوم (مانند ضبط گواهی

گواهان) از رسیدگی، امتناع کند و بگوید که من نمی‌توانم به شهادت شهود تو بدون اینکه کاغذی باشد و بتوانم آن را بنویسم گوش دهم زیرا اظهارات گواهان غالباً مفصل است و من موقع صدور حکم، به همه آن اظهارات نیاز دارم و نمی‌توانم همه را به خاطر بسپارم و در نتیجه در صدور حکم دچار اشتباه خواهم شد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۰۵۲). برخی از معاصرین نیز، ضمن متابعت از نظر مشهور فقها مبنی بر عدم جواز اخذ اجرت یا جعل از یک‌طرف یا طرفین دعوی، و جواز مطلق ارتزاق قاضی از بیت‌المال، معتقدند: «آنچه امروزه متداول است، دریافت مبلغی به اسم رسوم القضا است، به این ترتیب که اگر مدعی از پرداخت آن خودداری کرد محکمه از ورود در دعوی خودداری می‌کند. بعضی‌ها به جواز آن نظر داده‌اند و دلیل آن این است که این مال در مقابل عمل قضاوت قرار نمی‌گیرد چراکه نفس عمل قضاوت واجب است، بلکه آن در قبال اعمال دیگری که با قضاوت ملازمه دارند نظیر تسجیل و ثبت و تحقیقات است، زیرا اعلام نظر قضایی در چنین حالاتی مستلزم اعمالی خارج از طبیعت قضاوت است، پس این مال برای آن‌ها اخذ می‌شود ... و از اینجا معلوم می‌شود که چنین اعمالی مجانی محقق نمی‌شود ...» (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸، ۱۶۰). در مجموع در فقه نیز بر حذف یا دست‌کم کاهش هزینه دادرسی در راستای حفظ حق دادخواهی تأکید داشته است.

۵-۳-۲. تأثیر اقتصاد حقوق بر تعیین مجازات

یکی از دیگر ابعاد اقتصاد حقوق، تأثیر اقتصاد بر مجازات‌هاست. ظهور مجازات‌های جایگزین در این راستا قابل ارزیابی است. مجازات‌های جایگزین حبس به مجموعه‌ای از ارزیابی راه‌حل‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و خدماتی اطلاق می‌شود که حوزه‌های قضایی جهت جانشین نمودن حبس و زندان برای افراد محکوم و بزه‌کار در نظر می‌گیرند و محکومین تحت نظارت، شرایط و قواعد از پیش تعیین شده به جای تحمل کیفر زندان نظیر ارائه خدمات عمومی به منظور جبران خسارت وارد آمده به قربانیان و جامعه می‌پردازند (پوربخش، ۱۳۸۷، ۸۸-۸۳). جایگزین‌های مجازات زندان در مفهوم اصلی آن شامل مفاهیم عام و خاص است که در مفهوم گسترده و عام آن، منظور هرگونه ضمانت اجرایی است که بتواند از همان ابتدا به‌طور کلی مانع توسل به مجازات زندان شود یا مدت زندان را کوتاه‌تر کند. در این مفهوم، مجازات‌های جایگزین علاوه بر خدمات عمومی رایگان، دوره مراقبت، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی، شامل تدابیری دیگری مانند آزادی مشروط، تعویق صدور حکم، تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی که عملاً منجر به کاهش جمعیت کیفری زندان و عدم توسل به مجازات و یا گریز از آن خواهد شد نیز می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۶، ۱، ۱۹۸).

در مفهوم خاص آن هم به مجموعه‌ای از راهکارها و ضمانت اجرای کیفری مانند جزای نقدی، دوره مراقبت و خدمات عمومی رایگان با ماهیت و

ساختار معمولاً اجتماع محور که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمینی که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برای آنان و جامعه مجازات‌های خطرناک، غیر مفید و غیرضروری است، به کار گرفته می‌شود. با توجه به تعریف فوق‌الذکر از عبارت، چنین برمی‌آید که صرفاً شامل آن دسته از ضمانت اجرای کیفری که تحت عنوان جایگزین‌های حبس مجازات در قبال نقض اوامر و نواهی قانون‌گذار یعنی ارتکاب رفتار مجرمانه به حساب می‌آید، می‌شود که برخوردار از ماهیت و ویژگی یک مجازات می‌باشند. بنابراین بر اساس این تعریف دیگر شامل تدابیری مانند آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و غیره که در حقیقت تحت عنوان تدابیر و راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان قلمداد می‌شوند، نمی‌گردد (غلامی و خاکسار، ۱۳۸۸، ۱۹). در سال‌های اخیر بحث مجازات حبس با توجه به تأثیرات بد و محیط‌های نامناسب اعمال چنین مجازاتی بر محکومین آن باعث گردیده است که مسئولین امر و کارشناسان اجتماعی و حقوقدانان در جهت بهبود وضع زندانیان و جایگزین کردن مجازات‌های دیگر به جای آن بکوشند. با افزایش بی‌رویه تعداد زندانیان و ایجاد مشکلات و دشواری‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سیستم‌های قضایی، نیاز به تدوین و اجرای استراتژی مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس از جمله ضرورت‌های اصلی به شمار می‌رود. مجازات‌های جایگزین حبس به مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها، راه‌حل‌ها، تصمیم‌گیری‌ها

و خدماتی اطلاق می‌شود که حوزه‌های قضایی جهت جانشین نمودن حبس و زندان برای افراد محکوم و بزهکار در نظر می‌گیرند و محکومین تحت نظارت، شرایط و قواعد از پیش تعیین شده به جای تحمل کیفر زندان، به ارائه‌ی خدمات عام‌المنفعه به منظور جبران خسارت وارده به قربانیان جامعه می‌پردازند (پوربخش، ۱۳۸۷، ۸۳-۸۸). مجازتهای جایگزین شرایطی را فراهم می‌کند که می‌توان مجازات متناسب را در نظر گرفت که نظام جامعه و مصلحت عمومی اجتماع و حقوق تضییع شده مجنی علیه رعایت و در نظر گرفته شود (باقری، ۱۳۹۷). در جوامع امروزی که مقنن کیفری بیشتر در جهت حبس زدایی و کاهش جمعیت زندانیان پیش می‌روند، مجازات حبس باید به عنوان یک نمونه از مجازات‌ها در راستای دیگر مجازات‌ها باشد و به عنوان آخرین راهکار و حربه مورد توجه قرار گیرد و حتی‌الامکان از دیگر محدودیت‌ها و مجازات‌ها استفاده نمود، چون زندان آثار سوء فراوانی برای فرد مجرم از یک طرف و جامعه و همچنین اقتصاد مملکت از طرف دیگر وارد می‌کند و نیز باعث زیان‌های فراوانی برای خانواده فرد مجرم نیز می‌شود. همچنین بیشتر مجرمانی که به زندان افتاده‌اند، شغل خود را از دست داده و بی‌کار می‌شوند و بعد از آن ممکن است کمتر مشاغل مشابه همان شغل قبلی خود را به دست آورن این عوامل موجب افزایش هزینه‌ی ارتکاب جرائم می‌شود. یکی از فایده‌های مجازات‌های جایگزین حبس این است که مجرم شغل خود را از دست نمی‌دهد و موجب افزایش و

رشد اقتصادی خانواده و خود زندانی و سبب جلوگیری از نابود شدن و به هدر رفتن سرمایه انسانی می‌شود و از لحاظ حقوقی، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، موجب کاهش وقوع جرائم در سطح جامعه می‌شود (باقری، ۱۳۹۷). مجازات‌های جایگزین حبس، اگرچه شاید از نگاه برخی هنوز نهادینه نشده باشد، اما استفاده از آن در پاره‌ای موارد به ویژه از سوی قضات دادسرا و دادگاه‌های رسیدگی‌کننده، نشانگر تأثیر مثبت این حرکت جدید بر بزهکاران در جامعه است. به‌کارگیری چنین روش‌هایی علاوه بر این که فرصت دوباره‌ای به مجرمان برای بازگشت به زندگی و تصحیح رفتارشان می‌دهد، الگو و روش صحیح برخورد با مجرمانی که قابلیت بازگشت سریع به جامعه را دارند را نیز فراهم می‌کند. امروزه پژوهشگران و علمای حقوق، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی با قطعیت تمام از دستاوردهای تحقیقات علمی و میدانی خود که با کمی تأمل به راحتی قابل درک است و با توجه به اثرات و پیامدهای سوء و آسیب‌های اجتماعی و بعضاً غیرقابل جبران مجازات زندان، دیگر این مجازات را به عنوان مجازاتی باهدف اصلاح، بازپروری و توانمندسازی فرد مجرم و خطاکار برای بازگشت به اجتماع و ادامه‌ی زندگی به عنوان یک فرد عادی ابزار مناسبی نمی‌دانند و به‌شدت برای کاهش تبعات منفی آن، بر ضرورت به‌کارگیری مجازات‌های جایگزین تأکید دارند (یوسفی‌زاده، ۱۳۹۰). با توجه به ازدیاد جرائم در جامعه، ایجاد می‌کند که کاهش بازدارندگی در جامعه را ضروری

بدانیم. از خصایص ویژه مجازات‌های جایگزین حبس، کاهش و از بین رفتن آسیب‌های اجتماعی است که زندانی و خانواده‌ی او را تهدید می‌کند. ضمن اینکه هزینه‌های هنگفتی که دولت با مجازات زندان متحمل می‌شود، کم‌تر خواهد شد. با پیش‌بینی روش‌ها و جایگزین‌های مناسب حبس، از افزایش ورود بی‌رویه‌ی مجرمان به زندان‌ها جلوگیری می‌شود و باعث کاهش جمعیت زندان‌ها می‌گردد. البته استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس، در صورتی مفید است که مغایرت با امنیت اجتماعی، اقتصادی و ... نداشته و نیز تکرار جرم از سوی مجرم را به دنبال نداشته باشد.

در فقه نیز در قالب مجازات تعزیر امکان تجویز مجازات‌های جایگزین حبس وجود دارد. در فقه مجازات‌ها به چهار قسم حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شوند. در مفهوم تعزیر، لحاظ کردن انواع مجازات‌های جایگزین حبس قابل استنباط است که حاکم اسلامی می‌تواند بر اساس صلاحدید عمل نماید (فیض، ۱۳۶۹، ۲۲۶). روایت شده است در مورد تعزیر فردی که به دیگری ناسزا گفته و الفاظی چون «پست و خوک» را به وی نسبت داده، امام می‌فرماید: «در این مورد، حدی جاری نمی‌شود، بلکه وی نصیحت و مقداری مجازات می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۵۲). علاوه بر روایت، از دیگر دلایلی که می‌توان بر عمومیت مفهوم تعزیر ارائه کرد، دیدگاه فقها در مقام تعریف تعزیر است مرحوم ابوالصلاح حلبی در مقام تعریف تعزیر می‌نویسند: «تعزیر عبارت از تأدیبی است که خداوند، تعبد و التزام به آن را به منظور جلوگیری

تعزیر شونده و دیگر مکلفین، از ارتکاب عمل ممنوع جعل نموده است و این حکم، در موردی که امر واجبی ترک و امر قبیحی ارتکاب یابد و در شرع، مجازات معینی برای آن نیامده باشد، ثابت می‌شود (حلبی، ۱۴۱۰، ۴۱۶). بدیهی است که به نظر ایشان، مجازات تعزیری منحصر به موردی خاص نیست، بلکه از هر اقدامی که منجر به اصلاح مجرم و پیشگیری از ارتکاب جرم مجدد وی شود، می‌توان استفاده کرد. مرحوم شیخ طوسی نیز نسبت به فردی که اقدام به عملی نماید که مستوجب تعزیر است، می‌نویسند: امام می‌تواند او را تأدیب نماید، مورد نکوهش قرار دهد، سرزنش کند و یا درنهایت زندانی نماید (طوسی، ۱۳۵۱، ۸، ۶۶). در این رویکرد، زندان کردن به عنوان مجازات آخر در نظر گرفته شده و قبل از آن موارد دیگری به عنوان مجازات تعزیری بیان کرده است. همچنین مرحوم علامه در کتاب تحریر می‌نویسند: «تعزیر ممکن است به زدن با تازیانه، توبیخ و یا به حبس باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲، ۲۲۷). مرحوم شهید اول نیز در هفتمین فرق میان حد و تعزیر متذکر می‌شوند: «حاکم در تعزیر مخیر است که هرگونه عقوبتی را که متناسب می‌داند، اعمال نماید؛ در صورتی که در حدود، به جز حد محاربه، تخییری در انتخاب انواع آن ندارد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲، ۳۲۵). پس معلوم می‌شود که قبل از مجازات زندان، مجازات‌های دیگری پیشنهاد شده و حاکم اسلامی مخیر است بر اساس شرایط در قالب تعزیر، نوع مجازات را تعیین نماید.

با توجه به معنا و مفهوم تعزیر و با دقت در ادله‌ای که مبنی بر عمومیت مفهوم تعزیر ارائه شد، معلوم می‌شود که حاکم جامعه اسلامی برای تنبیه بزهکاران و مجرمان از اختیارات کامل برخوردار است و می‌تواند از انواع مجازات‌ها، متناسب با شخصیت مجرمان و جرائم ارتكابی آن‌ها، همانند موعظه، توبیخ، تذکر کتبی یا شفاهی، پرداخت غرامت به مجنی علیه، جریمه مالی، نگهداری در مراکز آموزشی و یا بازپروری، محرومیت از اشتغال به شغلی خاص، تعطیلی محل کار و فعالیت، انجام کارهای عام‌المنفعه، حبس در منزل، زندان و هر نوع اقدامی را که برای اصلاح فرد (که دربردارنده اصلاح جامعه است) متناسب تشخیص داد، استفاده کند و محدودیتی در این زمینه برای وی وجود ندارد. زیرا مجازات وسیله‌ای برای اصلاح و تربیت مرتکب جرم و جلوگیری از ارتكاب جرائم مجدد وی و همچنین جلوگیری از انحراف و آلودگی سایر افراد جامعه می‌باشد. بنابراین مجازات‌هایی که تحت عنوان «مجازات‌های جایگزین زندان» از آن‌ها یاد می‌شود، در حقیقت مجازات‌های تعزیری هستند که به استناد ادله‌ای که ارائه شد، مقام صالح برای تعیین مجازات‌های تعزیری در انتخاب آن‌ها با محدودیتی مواجه نیست و این مجازات‌ها در پرتو اقتصاد حقوق با توجه به هزینه‌ها بودن مجازات حبس، قابل تجویز است.

۵-۳-۳. هزینه‌های جرم

ارزیابی هزینه‌های جرائم و سیاست‌گذاری برای کاهش این هزینه‌ها پیشینه طولانی دارد. در سال

۱۹۲۹، برای نخستین بار کمیسیون ویکرشوم در آمریکا این نوع ارزیابی را انجام داد (کلودیو. دی تو. مارکو. وانین، ۲۰۱۰، ۴). یافته‌های این کمیسیون، کم توجهی خط‌مشی گذاران به مسئله هزینه‌ها و عدم شناخت کافی نسبت به آن‌ها را نشان می‌داد. به تدریج، اهمیت ارزیابی هزینه‌های جرم به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تعیین سیاست‌های عدالت کیفری و برنامه‌های آن آشکار گردید و برخی از محققان، درصدد ارزیابی این هزینه‌ها برآمدند. با این حال، ارزیابی‌های اولیه بیشتر حول اطلاعات به‌دست‌آمده از بزه دیدگان، دستگاه عدالت کیفری و بخش‌های خصوصی تمرکز یافت. ارزیابی هزینه‌های جرم، زمانی جایگاه واقعی خود را در سیاست جنایی کشورها پیدا نمود که سیاست‌گذاران به اهمیت ارزیابی‌ها در نظام عدالت کیفری واقف شدند و به دنبال آن، ارزیابی هزینه‌های ابزارهای پیشگیری از جرائم را به کمک روش‌های اقتصادی مطرح کردند؛ زیرا ارزش واقعی برنامه‌های پیشگیری و ابزارهای آن، در مقایسه با میزان هزینه‌های ناشی از جرم مشخص می‌شود (مگواپر و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۲۱).

تقریباً همه صاحب‌نظرانی که درباره تحلیل اقتصادی حقوق کیفری مطالعه کرده‌اند، درباره اهمیت موضوع هزینه‌های جرائم و لزوم ارزیابی آن‌ها اتفاق نظر دارند. علم اقتصاد، علم تخصیص منابع محدود در جامعه به شمار آید. نظام عدالت کیفری نیز همواره در مقام انتخاب میان راهکارهای مختلف است. هریک از این راهکارها، زیان‌ها و منافعی برای جوامع به همراه دارند. ارزیابی هزینه‌ها

و منافع راهکارها به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با آگاهی کافی و لازم، راه‌حلی را انتخاب کنند که میزان رفاه جامعه را از نظر اقتصادی افزایش دهد.

از نظر اقتصاددان، جرم، عملی غیراخلاقی است که موجب ورود زیان به جامعه می‌شود (مارک آ. کوهن، ۲۰۱۰، ۱۷). بنابراین، جامعه باید برای دستگیری بزهکاران، مجازات آن‌ها و پیشگیری از جرائم، منابعی را اختصاص دهد و هدف حقوق کیفری در این خصوص آن است که هزینه بخش‌های مختلف نظام عدالت کیفری از جمله هزینه‌های پیشگیری، بازداشت، دستگاه عدالت کیفری و اجرای مجازات‌ها را به نحو بهینه ترکیب کند؛ زیرا به صفر رساندن جرائم در جوامع امری محال است. در نتیجه، به حد بهینه رساندن میزان جرائم در جامعه، باید اولویت اصلی قلمداد شود.

در فقه نیز در راستای کاهش هزینه‌های جرم بر بعد معنوی انسان اقتصادی در راستای پیشگیری از وقوع جرم تأکید شده است. قاعده لاضرر در زمینه پیشگیری از جرم در موازین فقهی نیز بسیار حائز اهمیت بوده و همانند سایر بخش‌ها در این مقوله از جرم‌شناسی فقهی نیز حائز اهمیت می‌باشد به نحوی که بر اساس قاعده فقهی مذکور هرگونه ضرر و زیان رساندن به اشخاص مذموم شمرده شده است (سیستانی، ۱۴۱۴، ۱۶۴).

دومین قاعده فقهی با کارکرد پیشگیری از جرائم تقیه می‌باشد. تقیه به معنای بر حذر بودن است و در اصطلاح عبارتست از همراهی با مردم در آنچه خوب می‌انگارند و ترک آنچه بد می‌دانند. در

مواقعی که خطری جان یا آبروی انسان را تهدید می‌نماید، عقل حکم می‌کند که به خاطر مصلحتی مهم‌تر و والاتر، شخصی، عقیده‌اش را اظهار نکند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱، ۴۱۲). قاعده «لاتعاونوا علی الإثم و العدوان» قاعده حرمت کمک به گناه و به اصطلاح فقها «عانه بر اثم» از آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا... و تعاونوا علی آلبر و التقوی ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله أن الله شدید العقاب» (مائده (۵) آیه ۲) گرفته شده است؛ در اهمیت این قاعده همان بس که خداوند آن را به همراه چند اصل مهم دیگر در صدر سوره مائده و مقدمه‌ای برای بیان احکام و معارف دین در این سوره قرار داده است. در مورد قاعده دفع ضرر احتمالی، بحث وجوب دفع ضرر محتمل بسته به زاویه نگاه به مسأله، در موضوعات و مباحث گوناگون مورد بحث و نقد و بررسی قرار گرفته است. اولین جایگاه این بحث، کلام است که از این قاعده عقلی برای اثبات وجوب ترک معصیت (اطاعت از اوامر خدا) استفاده شده است. چرا که هر چند احتمال عقاب اندک باشد اما چون محتمل، یعنی همان وقوع قهر و عذاب الهی، قوی و معتنا به است بر هر انسان عاقلی واجب است از آن پرهیز نماید (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ۱، ۳۰۶). قاعده دفع مفسده، بیان می‌کند که در مواردی که انسان عاقلی در لزوم انجام یا ترک فعلی شک کند (چون نمی‌داند آیا انجام آن دارای مصلحت است یا دارای مفسده)، باید دفع مفسده کند، زیرا دفع مفسده قطعی از جلب منفعت قطعی بهتر است (حکیم، ۱۳۹۴، ۵۴۴). بنابراین، اگر مکلفی شک کند انجام فعلی واجب است یا

حرام، اگر عمل را انجام دهد، به مصلحت محتمل دست می‌یابد هر چند ممکن است واقعاً حرام باشد و سبب افتادن وی در مفسده گردد و اگر آن را ترک کند، ممکن است مفسده‌ای را از خود دور کند هر چند احتمال دارد مصلحتی از او فوت شود ولی در این موارد، دفع مفسده در نزد عقل و شرع بهتر است.

۶. نتیجه

موضوع مورد بحث در مقاله حاضر، اقتصاد حقوق است. انسان اقتصادی و کارایی مهمترین ابعاد اقتصاد حقوق می‌باشند. منظور از انسان اقتصادی، ابعادی از رفتارها و روحیات انسان است که در حیطه مطالعه اقتصاددانان قرار دارد که حداکثر کننده منفعت شخصی تعریف می‌شود. نفع شخصی در کنار عقلانیت ابزاری ویژگی‌های مهم آن به شمار می‌روند. بر اساس انسان اقتصادی، افراد صرفاً نفع شخصی را پیگیری می‌کنند و اگر تک تک افراد نفع شخصی خود را حداکثر کنند آنگاه منافع جامعه که مجموع منافع افراد است به حداکثر خود می‌رسد و این رویکرد، بحث مهمی در اقتصاد حقوق است از این جهت که بر ابعاد مهم حقوق تأثیرگذار است. در فقه و بین اندیشه‌های اسلام، پیگیری نفع شخصی تعارضی وجود ندارد و پیگیری نفع شخصی هیچ تقابلی با رفتارهای نوع‌دوستانه ایجاد نمی‌کند. اگرچه انسان به‌طور ذاتی خودخواه است. اما حالت افراطی نفع طلبی که نفع را فقط در ابعاد مادی و کوتاه مدت خلاصه می‌کند از منظر انسان اقتصادی از دیدگاه فقهی صحیح نیست چرا

که منافع غیرمادی و اخروی و رضایت الهی می‌تواند در زمره منافع قرار گیرد و انسان‌ها در برخی موارد نفع دیگران را در نظر می‌گیرند هرچند هدف نهایی نفع شخصی باشد. پیگیری نفع شخصی در دیدگاه اسلام در قالب طبیعت و ذات انسان قابل قبول است اما دارای ابعاد گسترده‌تر از مادیات شامل معنویات و منافع بلندمدت، اخروی و کسب رضایت الهی است. انسان ترکیبی از جسم و روح است و میزان انسانیت و رشد معنوی انسان در گرو تعالی روح اوست.

در خصوص تأثیر اقتصاد بر حقوق نتایج نشان داد که می‌توان به مصادیق متعددی در این خصوص اشاره کرد؛ یکی از این موارد هزینه‌های دادرسی است. هزینه دادرسی مدنی از جمله پیوندهای مستحکم میان حقوق و اقتصاد و به عنوان یکی از شاخص‌های کنترل و سنجش کیفیت و کارآمدی نظام عدالت آیینی، جایگاه ویژه‌ای در مباحث حقوق اقتصادی دارد. فلذا اخذ آن همواره باید در چارچوبی نظام‌مند و با رعایت اصولی به عمل آید. قواعد دادرسی مدنی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در عین کشف حقیقت و فصل خصومت، نتیجه حاصله از آن با لحاظ زمان و هزینه‌های صرف شده، نامعقول و نامتعارف جلوه نکند. چراکه، اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی مدنی را باید حد تعادل میان دو اعتقاد «رایگان» یا «هزینه‌بر بودن» دادرسی دانست که در عین کشف حقیقت و فصل خصومت، و ممانعت از طرح دعاوی واهی و بی‌بنیان یا ایذایی، حد تعادل میان دو اعتقاد «رایگان» یا «هزینه‌بر بودن» دادرسی، با رعایت

در قالب مجازات‌های تغزیری قابل تبیین و استنباط است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های دادرسی مدنی تأمین‌شده و موجب تحقق اصل دسترسی آسان و ارزان شهروندان به دادگستری به عنوان خدمتی عمومی شود.

یکی دیگر از مصادیق تأثیر اقتصاد بر حقوق بحث مجازات زندان است. از دیدگاه اقتصادی، کمبود منابع در جامعه، سیاست‌گذار را به انتخاب از میان راهکارهای مختلف وادار می‌کند، انتخابی که با توجه به نحوه واکنش طرفین بازار صورت می‌گیرد. بدین‌سان، سیاست‌گذار باید به ارزیابی این واکنش‌ها دست بزند تا تدابیر لازم را برای پیشگیری از نتایج بعدی، پیش‌بینی کند.

سیاست‌گذار برای رسیدن به این هدف، از تحلیل‌های اثباتی، هنجاری و هزینه - فایده استفاده می‌کند. در واقع، در نگرش اقتصادی، برای دستیابی به رفاه بیشتر و افزایش ثمربخشی یک سیاست، می‌بایست از معیار تحلیل هزینه- فایده استفاده شود، معیاری که با بررسی هزینه‌ها و منافع سیاست‌های مختلف، راهکاری را تجویز می‌کند که با توجه به منابع محدود، بیش‌ترین ثمربخشی را برای جامعه به همراه داشته باشد. ازجمله چالش‌های مهمی که نظام عدالت کیفری با آن روبرو بوده است، بحث هزینه‌های مجازات‌هایی چون زندان است. هزینه سرسام‌آوری که جامعه، هر ساله باید به دلیل اشتباه دیگران پرداخت نماید. از این‌رو، متولیان سیاست جنایی، برای کاستن از هزینه‌های اجتماعی این مجازات، به مجازات‌های جایگزین حبس روی آورده‌اند، مواردی که در فقه

منابع

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.
- التمن، اندرو، درآمدی بر فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
- ایروانی، جواد، «انسان اقتصادی از دیدگاه قرآن»، مجله پژوهش‌ها و آموزه‌های قرآنی، شماره پانزدهم، ۱۳۹۱.
- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- بادینی، حسن، «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره نود و دوم، ۱۳۸۲.
- باقری، خدیجه، «نگاهی به مجازات‌های جایگزین حبس»، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق، ۱۳۹۷.
- پوربخش، سید محمدعلی، «جایگزین‌های نوین زندان در نظام کیفری»، مجله حقوقی گواه، شماره دوازدهم، ۱۳۸۷.
- تبریزی، جواد، أسس القضاء و الشهادة، قم، دفتر مؤلف، ۱۴۲۷.
- جعفری، محمدتقی، انسان در افق قرآن، چاپ اول، اصفهان، کانون علمی و تربیتی جهان، ۱۳۴۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره المعارف علوم اسلامی - قضایی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.
- جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، جلد سوم، چاپ سوم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- حبیبی، بهنام، حقوق و اقتصاد، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه و جنگل، ۱۳۹۲.
- حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد هجدهم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹.
- حکیم، سید محمدتقی، اصول العامه للفقہ المقارن، جلد دوم، قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۴.
- حلبی، ابی الصلاح، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه الإمام أمير المؤمنين، ۱۴۱۰.
- دادگر، یداله، درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، ۱۳۹۰.
- دادگر، یداله، عزتی، مرتضی، «عقلانیت در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره نهم و دهم، ۱۳۸۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۷.
- زراعت، عباس، محشای قانون آیین دادرسی مدنی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹.

- سعیدی، سعید، معجم تاج المعاج، چاپ اول، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۵.
- سیستانی، سید علی حسینی، قاعده لاضرر و لاضرار، قم، انتشارات دفتر آیت الله سیستانی، ۱۴۱۴.
- شهیدی، مهدی، دوره حقوق مدنی؛ تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد اول، چاپ نهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
- صدر، محمدباقر، اقتصاد صدر اسلام، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۱.
- صدرزاده افشار، سید محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، چاپ ششم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰.
- صلیبا، جمیل، صانعی دره بیدی، منوچهر، فرهنگ فلسفی، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۶.
- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، جلد چهارم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد هشتم، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷.
- طوسی، محمدبن الحسن (الشیخ)، المبسوط، جلد هشتم، قم، ۱۳۵۱.
- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر اسلام، ۱۳۷۸.
- عارفعلی، مجید، «هزینه دادرسی مدنی در حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، ۱۳۹۴.
- غفرانی، محمد، قاموس عصری فی المصطلحات الحدیثه (فرهنگنامه‌ی معاصر)، چاپ دوم، موسسه انتشارات امیرکبیر بیروت، ۱۳۹۱.
- غلامی، حسین، خاکسار، داوود، «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره بیست و ششم، ۱۳۸۸.
- فیض، علیرضا، تطبیق در حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، جلد اول و پنجم، چاپ ششم، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، چاپ اول، تهران، انتشارات به شهر، ۱۳۷۷.
- کوتر، رابرت، یولن، تامس، حقوق و اقتصاد، چاپ اول، همدان، انتشارات نور علم، ۱۳۸۸.
- محسنی، حسن، غمامی، مجید، «اصول مربوط به عملکرد دموکراتیک در دادرسی مدنی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره هفتاد و ششم، ۱۳۸۵.
- محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فرانسه، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۱.

- یوسفی‌زاده، معصومه، «مطالعه تطبیقی خدمات عمومی و عام‌المنفعه به عنوان کیفر جایگزین حبس اطفال و نوجوانان در قانون جدید مجازات ایران و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره سوم، ۱۳۹۰.

منابع لاتین

- Abdul Karim, Abdul Defining Islamic Man, Daily Dawn, 2006.
- Bern Hans, Clausott, Economic Analysis of Law, Edward Elgar, 2004.
- Biraima, M.H. From Rationality to Righteousness: A Universal Theory of Action. Humanomics, 1998.
- Cento G. Veljanvoski, Economic Principles Of Law, Cambridge University Press, 2007.
- Claudio Detotto & Marco Vannini, Counting the cost of crime in Italy, CUEC, 2010.
- Farooq, A.A. Hussain A. Muhammad A.B. Sana "Economic Man vs. Islamic Man." Interdisciplinary Journal of Contemporary Research In Business, Vol. 3, No. 2, 2011.
- Graafland, Johan J. "Self-interest", handbook of economics and ethics, Edited by: Jan Peil and Irene van Staveren, Edward Elgar Publishing, 2009.
- Harris, W. Legal Philosophies, Utilitarianism and the economic analysis of law, London, Butterworths, 1982.
- Jon D. Hanson, Kathleen Hanson & Melissa R. Hart, Law and Economics, Harvard Law School Public Law & Legal Theory Working Paper Series Paper No, 2009.
- Kahf, Monzer; "The Theory of Production, in The Islamic Economy: Analytical Study of the Functioning of the Islamic Economic System", Plainfield, Indiana: The Muslim Students' Association of the United States and Canada, 1991.

- محقق اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح الارشاد الازدهان، جلد هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳.

- مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، چاپ دوم، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.

- مکارم شیرازی، ناصر، قواعد فقهیه، جلد دوم، قم، نشر مدرسه امیرالمومنین (ع)، ۱۴۱۱.

- مگوایر، مایک، مورگان، راد، رینر، رابرت، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۹.

- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه القضا، قم، منشورات مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۸.

- موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه، جلد اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۶.

- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریرالوسیله، جلد دوم، قم، مؤسسه دارالعلم، ۱۴۲۱.

- نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد بیست و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

- نصری، عبدالله، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، چاپ سوم، تهران، نشر موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.

- هایامی، یوجیرو، اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل، چاپ ششم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.

- Siddiqi, M, An Islamic approach to economic analysis, NY, 1991.
- Solow, R. Sustainability: an economist's perspective. In: Dorman, R., Dorfman, N. (Eds.), Economics of the Environment, third ed. New York: Norton, 1993.
- Strowel, Alain, Utilitarianisme et approche economique dans la theorie du droit Autour de Bentham et Posner, Archives de philosophie de droit, Tome 37, droit et economie, 1992.
- Zarqa, M. Teaching Islamic economics conference paper, August Jeddah, 1991.
- Mark A. Cohen & Roger Bowles, Estimating Costs of Crime, at: Handbook of Quantitative Criminology, by: Alex R. Piquero & David Weisburd, Springer, 2010.
- McPherson, M. "On Schelling, Hirschman, and Sen: Revising the Conception of Self", Partisan Review, Vol. 51, No. 2, 1984.
- Nicholas L, Georgakopoulos, Principal And Methods Of Law And Economics (Basic Tools for Normative Reasoning), Cambridge university press, 2005.
- Posner, Richard A. Economic Analysis of Law, New York: Aspen Publishers, Sixth Edition, 2003.
- Rescher, N. Rationality: A Philosophical Inquiry into the Nature and the Rationale of Reason, Oxford: Clarendon Press, 1988.

